

اندکی ازدانش خودشناسی

عزم و اراده - تعلیم و تربیت - مزایای اخلاقی

علم خودشناسی به موضوع «عرفه النفس» که بهترین وسیله خداشناسی است یکی از مسائل مورد بحث عزم و اراده است که در حدود خود بحثی شیرین و جالب توجه میباشد.

اراده یکی از قوای معنوی انسانی است که این قوه باطنی بدو حالت قوت یا ضعف هرکس را بکار وادار می نماید و برای این قوه بر حسب تفاوت و اختلاف عمر و مساعی اشخاص نامرئی چند است بدینگونه :

اراده ای که در تحصیل دانش و اراده عمل در فراهم آوردن موجهات گذران و مسائل زندگی بکار می رود آنرا سیر گویند.

آنچه که شخص را وادار به استغنا و عدم پیروی از شهوات نفسانی می نماید آنرا ضبط نفس یا خودداری نام نهاده اند. آنچه را که در مورد مبارزه و کارزار یا آشکارا نمودن حق و حقیقت بعمل آید از آن به شجاعت تعبیر می نمایند، و هرچه که در مواقع ضرورت خوردن خشم و خاموش نمودن آتش غضب بکار برود آن را بردباری و حلم گویند، و آنچه که در راضی شدن بندگان و ساختن بافتلی از موجهات گذران مصرف شود آنرا قناعت نامیده اند، و آنچه که در با گذاری تحمل و ترک نمودن زیاده از قدر حاجت بکار رود آنرا رعب نامند.

بنابر این اراده در میدان سعی و عمل عنوان اخلاق است و پیدایش اراده در انسان از عوامل متعدده است که اهم آن تربیت بدنی و تربیت ادبی و تعلیمات لازمه اخلاقی و گرفتن عبادی و اصول مهمه علمی و دانشی است.

اولین جای تربیت و مهم ترین مکان آن خانه است پس از آن دبستان و دبیرستان و دانشکده و بالاخره دانشگاه. مراد از سپس وقتی که شخص مراتب دانش آموزی را در این مراحل بپایان آورد دنیا یگانه مدرسه است بزرگ و هر یک از این مؤسسات و اماکنه برای زندگی و حیات ابدی در نشأت دیگر می باشد که برای آن زوال و فنائی نخواهد بود.

مقدرات هر مرد وزنی بسته بر بهره و نصیب آن دو از تربیت و پرورش است که در اولین مرحله زندگی شامل احوال ایشان می‌گردد و بنا بر این اگر از نعمت تربیت و تعلیم خانه و آموزشگاه محروم گردیدند و در این اوقات از تهذیب اخلاق و تکمیل فضایل نفسی بی نصیب ماندند باید بحال جامعه اینکه اینگونه اشخاص از اعضاء آنها تاسف خورد.

ماده شملینگ (Chenling) که از روی فاشند بر آگاه بشمار رفته و بشوهر خرد بیشتر از بیمه رستن هی اروپا را میدهد بین بیشتر بیماران و دیوانگان اشخاصی را تشخیص داده که در دوره طفولیت و اوایل زندگی بر انداخته و به نام داده باین معنی که تربیت خانوادگی آنها خوب صورت نگرفته و روی اسلوب غلطی نشرونها یافته‌اند ولیکن اشخاصی که از خانواده‌های بزرگ و نجیب بوده و تهذیب اخلاق موده کمتر دچار مرض گردیده‌اند.

سلطه و اقتدار اراده است که در محیط نفس و خودداری آن قدرت خود را آشکار داشته و شخص را بطریق اعتدال میکشاند و از هر درجه افراط و تفریط در زندگی جلوگیری می‌گردد و باز بواسطه اراده است که شخص بر هوا و هوس و آرزوهای دور و دراز نفسانی خود حکومت پیدا نموده و می‌تواند که قدمهای پابرجایی در میدان نیکی‌بختی و سعادت بگذارد.

هربرت اسپنسر (Herbert Spencer) می‌گوید خودداری و محیط نفس را یکی از ارکان کمال آدمیت است و غرض از تربیت روحی قطع نظر از سایر قسم تربیت این است که شخص در اعمال و افکار خود ثابت الاحوال بوده و در این هر گونه میل هوا و هوسی نمی‌رود و اشخاصی که در محیط نفس بر صاحب آرامش خاطر می‌باشند بواسطه جمعیت حواس که دارند حکومتی در وجود خود داشته و می‌توانند قبل از شروع بهر کاری از نتیجه و فواید آن آگاه گردند و خوب و بد آینده آنرا از آغاز احساس نمایند. انسان می‌تواند اراده خود را بواسطه تهذیب اخلاق و تعلیم و تربیت تقویت نموده و وجود را در هر مورد نسبت باندیشه‌های بزرگ و کوچکی که در امور دارد مراقبت نماید و این عمل هم به‌ساعی زیادی محتاج است که انسان می‌تواند از طریق

عادت آن برسد و با از راه پیروی آنچه را که شایسته و سزاوارتر می‌داند برای خود برگزیند. گاهی شخص در تصمیمات خود مردد گردیده و ممکن است که آن تصمیم را بهم زند و این بهم‌زدن تصمیم را نبایستی بدانست چیزی که مذموم است آن است که شخص رضا دهد دیگری تصمیم آن را بهم‌زند.

از جمله چیزی که مورد اختلاف است این است که برای مزاج و صحت و خانه و تربیت اولیه اشخاص تاثیری مهم و قابل ملاحظه در اخلاق است.

یکی از اسانید دانشمندی می‌گوید تمایل و عادات را هم میتوان مانند السنه و لغات اقوام و ملل یاد گرفته و تعلیم داد. «Guibsen» گیسن استاد مشهور می‌گوید: اراده اشخاص مدخلیت زیادی در خوشی و راحت یا بدی و ملالت آنها دارد و اگر انسان خبر در عادت دهد که بحوادث از طریق پشندیده آن نگاه کند برای او بهتر از ملیون ها ثروت و دارائی است.

اراده قوی در ضبط نفس و حکومت انسان نسبت به هوا و هوس های خود مجسم گردیده و در موارد زیادی ظاهر میشود اشخاصی که از مزایای خود داری و ضبط نفس محرومند همواره تابع هوا و هوس شده و تقاید و پیروی از دیگران نمی‌نمایند و در زندگانی بروش ایشان رفته و مانند آنها اسراف و تبذیر کرده عاقبت کار خود را حساب نمی‌کنند و بساهست که این تقاید نپسند آنها را بی‌نگاه هلاکت و نیستی سوق می‌دهد. در برابر آنان اشخاصی هستند که دارای عقل سلیم و اراده قوی میباشند و میخواهند که همواره حقیقت خود را ظاهر کرده و از اشتباه کاری و دروغ سازی و حقه بازی برکنار بوده هیچگاه ادعای بیمورد نکنند و چیزی را بخود نبنند یا ثروتی را بخود نسبت ندهند و همیشه طالب زندگانی ستوده و روش پسندیده‌اند.

اینگونه اشخاص بشجاعت و مقامت اراده متصف بوده و روزگاری بخوشی و سلامت و عزت و سعادت می‌گذرانند.

یکی از بزرگان می‌گوید «اصل فساد آداب در شدت اشتیاقی است که شخص بچیزی دارد که خود صاحب آن نیست و می‌خواهد از دیگران بخود نسبت دهد و یا امری غیر حقیقی را بصورت حقیقت در آورد».

سقراط در بین عبور اموال و اثاثیه بسیاری را دید که بانجلیلات تمام حرکت می دادند گفت: « حالا فهمیدم که خیلی چیزها در دنیا است که من از آن بی نیازم.

اراده و عزم مقیاس تفاوت هر مائی در مورد موفقیت و سعادت یا شقاوت و بدبختی ایشان است، هر مائی که اراده و عزم فرزندان آن در کسب دانش و اخلاق فاضله ضعیف شد و بردباری در مورد اعمالی نادر میدان عمل نکرده و نتوانست در صاغت و تجارت و زراعت از طرف خود نیرو و قدرتی نشان دهد همچو مردمی خود را محکوم و اماندگی از دیگران مینمایند.

بزرگترین مظاهر اراده صبر و تحمل است که دارندگان آن را بهمز و فلاح و سعادت و موقعیت رهبری مینماید. خلاصه بهترین مربی و بالاترین راهنما از برای تربیت اراده و عزم ایمان کامل و عقیده راسخ است و تربیت صحیح روی این اصل ثابت بدست آمده و بواسطه آن میتوان روح را قوی نموده و آثار اکارهای خوب عادت داد و بزیر کمال آن را تربیت کرد و نفس را دارای هر گونه ملکات فاضله گردانند. باید دانست هر کس که ادای فریض الهی را نمود و در این راه صاحب عزم و اراده راسخ گردید به آسانی می تواند که در جیات مردم راهم بجا آورد و حق مخارفی را اداء نماید و با مردم در خوشی و صفا و درستی و راستی زندگانی کند. یکی از فلاسفه انگلستان می گوید:

زندگانی آنها، ای که دارای ایمان و خلوص عقیدت میباشند متضمن يك سلسله ریاضت نفسانی و مجاهدات روحی است که در اثر آن شخص بیدار و هوشیار گردیده عمل خوب می کند و از بیدی می پرهیزد هیچگاه، پیرامون آزار کسی نمی گردد و همواره مبارزه حیاتی با اشخاص گمراه نموده دل او مملو از ایمان و خاطرش سرشار از اخلاص و عقیده است و از انجام کار خیر هیچوقت خستد نشده و همیشه در صدد آنست میوه درختی را بچیند که بدست خود غرس نموده.